

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



مركز آموزش
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

بینامتنیت تأثیر قرآن کریم در نهج البلاغه

فاطمه پودینه

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق دانشکده اصول الدین قم

چکیده

بینامتنیت نظریه‌ای است که به روابط بین متون می‌پردازد که موجب آفرینش متن جدید می‌گردد. و هر متن ادبی را به منزله‌ی جذب و دگرگون سازی دیگر متون گوناگون گذشته و یا هم زمان با آن می‌داند. در این نظریه ارتباط و تعامل با هم قرار دارند و باعث بارور شدن متون جدید شده و جان دوباره‌ای به آن می‌دهند. قرآن یگانه معجزه ماندگار بشریت است که در تمام عالم و کون و مکان نمود کاملی دارد و قلبها را متحول و مجذوب خود ساخته است. بعد از کلام وحی تنها کلامی که توانست ما فوق کلام قرار بگیرد کلام علی(ع) بود، کلامی که باعث حیرت ادبا و علماء گردید و این تأثیرپذیری کلام علی(ع) از کلام وحی می‌باشد. نگارنده در این مقاله برآن است تا پیرامون آشنایی اجمالی با برخی از چیزهای دین اثر پذیری در کلام علی(ع) براساس پدیده بینامتنیت به بررسی بپردازد.

کلید واژگان: تناص، قرآن، نهج البلاغه



مقدمه

آن زمان که قرآن کریم از عالم اعلی بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل گشت، در برترین مرتبه معنا، فصاحت و بلاغت چنان بی همتا ظهور کرد که در طول قرون و اعصار متمادی، علما، اندیشمندان، علوم اسلامی را به تلاش پیگیر برای استخراج معانی و مقاصد آیات شریفش وا داشت. در فرهنگ شیعه، کتاب «نهج البلاغه» را «اخ القرآن» یعنی برادر قرآن نامیده اند، زیرا که شیعیان تفسیر کلام وحی را در کلام و عمل اهل بیت عصمت و طهارت جست و جو می نمایند.

قرآن کریم، کتاب انسان سازی و علی (ع) ترجمان و مبین قرآن است. نهج البلاغه در همه جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن می باشد. و به حق، سخن علی (ع) را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده اند. بلکه روش امام (ع) در طرح مباحث خویش همان روش قرآن کریم است که با زبان موعظه از هر پدیده محسوس و معقولی نمونه ای بارز و قابل درک پیش چشم شنونده قرار می دهد و با نگاهی دقیق به روح معانی و الفاظ نهج البلاغه را تضمین می نماید از قلب قرآن نشأت گرفته است. قرآن به مقتضای حکمت الهی در بیان معارف خود گاه به تفصیل، گاه مقید و گاه مطلق سخن گفته است. شناخت موارد اجمال و ابهام آن، بنا به گفته خود قرآن در گنجینه علم و معرفت «راسخان در علم» و «اهل ذکر» نهفته است، که مصداق اکمل و و الای آنان بعد از وجود مبارک پیامبر (ص)، وصی برحقش، علی بن ابیطالب (ع) و بعد از ایشان، فرزندان طاهرش (ع) هستند. از این رو می توان گفت که اگر فرمایشات گهر بار ائمه اطهار (ع) درباره قرآن و مسائل پیرامون آن نبود، راه شناخت حقایق این کتاب آسمانی و مفاهیم آن برای همیشه به روی بندگان بسته می ماند. بدین منظور در این مقاله جایگاه قرآن را در نهج البلاغه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم تا چگونگی بازتاب آیات الهی را در سخنان نورانی و گهر بار قرآن ناطق به تصویر کشیم.

جایگاه و اهمیت قرآن

۱- تنها کتاب آسمانی در دسترس انسان

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، بیش از بیست خطبه را به معرفی قرآن و جایگاه آن اختصاص داده است و گاه بیش از نصف خطبه به تبیین جایگاه قرآن و نقش آن در زندگی مسلمانان و وظیفه آنان در مقابل این کتاب آسمانی اختصاص یافته که پرداختن به همه آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد. در این جا، تنها به توضیح جملاتی از نهج البلاغه درباره جایگاه قرآن بسنده می‌کنیم:

حضرت در خطبه ۱۳۳ می‌فرمایند: «وَكِتَابَ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِ نَاطِقٍ لَا يَعْيبُ لِسَانَهُ» قرآن در دست شماسست، گویاست، زبانش کند نیست. قرآن، بر خلاف سایر کتاب‌های آسمانی از قبیل تورات و انجیل در اختیار شماسست. در زمان گذشته به خصوص در بین یهود و بنی اسرائیل، تورات در اختیار عموم مردم نبود، بلکه تنها نسخه‌های محدودی از تورات نزد علمای یهود بوده و امکان مراجعه عموم مردم به تورات وجود نداشته است. در خصوص انجیل هم وضع از این نگران کننده‌تر بود، زیرا آنچه امروز به نام «انجیل» در میان مسیحیان است کتابی نیست که بر حضرت عیسی (ع) نازل شده، بلکه مطالبی است توسط افرادی گرد آوری شده و به انجیل اربعه معروف شده است، بنابراین امت‌های گذشته از دسترسی به کتب آسمانی محروم بوده‌اند. اما خدای متعال قرآن را به گونه‌ای نازل فرمود و پیامبر اکرم (ص) به نحوی آن را به مردم ابلاغ نمود که آنان به راحتی می‌توانند آن را فرا گرفته، آیاتش را حفظ کنند.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب آسمانی، آن است که خدای متعال بر امت اسلام منت نهاده و خود ضمانت حفاظت و صیانت آن را از هر گونه تهدید و تحریفی به عهده گرفته است، علاوه بر آن، پیامبر اکرم (ص) به فراگیری مسلمانان و حفظ آیات الهی اهتمام داشتند که در زمان آن حضرت عده زیادی از مسلمانان حافظ قرآن بودند؛ آیتی که به تدریج نازل می‌شد، در اختیار مسلمانان قرار می‌گرفت و آنان آیات را حفظ می‌کردند، می‌نوشتند، تکثیر می‌کردند و در اختیار همگان قرار می‌گرفت.

۲- کتابی ناطق و صامت

حضرت در مورد اوصاف قرآن، در نهج البلاغه، از یک سو می‌فرمایند: این کتاب، کتاب ناطق است خودش سخن می‌گوید، از سخن گفتن خسته نمی‌شود، خود سخن و مطلب خویش را به روشنی بیان می‌کند. در خطبه ۱۴۷ نیز آمده است که قرآن «صامت ناطق» است؛ قرآن ساکت است در عین حال ناطق و گویا. معنای این سخن این است که بیانگر دو نوع برخورد و نگرش متفاوت به این کتاب آسمانی است در یک نگرش قرآن کتابی مقدس، ولی صامت و خموش و در گوشه‌ای نشست، با کسی سخن نمی‌گوید و کسی با او ارتباطی ندارد و در نگرش دیگر، کتابی است ناطق و گویا که همه انسان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را به پیروی از خود فرا خوانده و به پیروان خود نوید سعادت می‌دهد.

۳- نیازمند مفسران وحی

یکی از وظایف پیامبر (ص) نسبت به امت اسلام تبیین و تفسیر آیات الهی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ الَّذِي نَزَّلَ اللَّهُ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُ لَكَلِمَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (النحل/ ۴۴)، ما قرآن را بر تو نازل کردیم و وظیفه توست که آن را برای مردم بیان کنی و معارفش را تبیین نمایی. زیرا قرآن کلام الهی و معارف آن چنان عمیق است که برای انسان‌های عادی قابل فهم نیست و نسبت به انسان‌های عادی صامت است و نیازمند تفسیر مفسران وحی دارد. پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز معارف قرآن را در اختیار مسلمانان قرار داده و پیام قرآن را به گوش مردم رسانده‌اند.

حضرت در خطبه ۱۵۸ در وصف قرآن کریم می‌فرماید: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ يُنطِقُ وَ لَكِنْ أُخْبِرُكُمْ عَنْهُ، أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ» این قرآن است و از او بخواهید تا برای شما سخن بگوید، در حالی که هرگز (بدون تبیین و تفسیر) پیامبر و امامان معصوم (ع) سخن نخواهد گفت. باید از زبان حضرات معصومین (ع) با معارف قرآن آشنا شد و علوم قرآن را از آن‌ها دریافت کرد. قرآن دریای معارف و علوم الهی است. غواصی در این دریای بی‌انتهای صید گوهرهای انسان ساز آن تنها از عهده کسانی بر می‌آید که با عالم غیب در ارتباطند و خداوند متعال از مردم

خواسته است تا با توسل به پیامبر ائمه (ع) و استفاده از علومشان و کمک و راهنمای آن بزرگواران به معارف بلند قرآن رهنمون شدند.

نقش قرآن در حیات اجتماعی

۱) داوری هر درد
حضرت علی(ع) راه حل همه مشکلات را قرآن معرفی می‌کند و دوی درد و راه حل مشکلات و سامان بخشیدن به امور را در قرآن می‌داند. قرآن داروی شفابخشی است که همه دردها را درمان می‌کند. در خطبه ۱۹۸ با تعبیر « وَدَوَاءُ لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ » می‌فرماید: قرآن دارویی است که پس از آن دردی باقی نمی‌ماند منظور این است که تنها با ایمان به فرمایش حضرت و ایمان به شفا بخشی قرآن است که چنین دارویی موثر واقع خواهد شد. باید یقین داشت که درمان حقیقی دردها و مشکلات ما، اعم از فردی و اجتماعی در قرآن است. کسانی هستند که با تمام وجود باور دارند که اگر به قرآن روی بیاورند و معارف و راهنمایی‌های آن را به کار بندند، قرآن بهترین نسخه شفا بخش درد آن‌هاست.

۲) حلال مشکلات اجتماعی

کلام حضرت علی(ع) در این زمینه، بیان دیگری از سخن ارزشمند پیامبر(ص) است که فرمود: «اِذَا لَ تَبَسْتَ عَلَيَّكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَاعْلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» هرگاه اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، مشکلات و نابسامانی‌ها همانند پاره‌های شب بر جامعه سایه افکند و در حل مشکلات راه به جایی نبردید، بر شما باد که به قرآن رجوع کنید و راهنمایی‌های نجات بخش آن را ملاک عمل قرار دهید. دستورات امید بخش قرآن روح امید و فایق آمدن بر مشکلات و رستگاری را در دل‌ها زنده می‌کند و انسان‌ها را از یأس و نومیدی نجات می‌دهد.

۳) قرآن بسان خورشید فروزنده

حضرت علی(ع) پس از وصف اسلام و پیامبر اکرم (ص) در خطبه ۱۹۸ در وصف قرآن کریم می‌فرماید: « ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ

وَبِحَرِّ لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ» خدای متعال قرآن رات به صورت نوری که چراغ‌های آن هرگز خاموش نمی‌شود و بسان خورشید فروزنده‌ای که هیچ گاه از فروزش نمی‌افتد و همچون دریایی که رسیدن به قعر آن برای کسی میسر نیست، نازل نمود.

۴) رستگاران پیروان قرآن

اگر انسان‌ها اعمال و رفتار خود را بر اساس رهنمودهای قرآن کریم و معارف و علوم اهل بیت (ع) تنظیم کنند و امور فردی، اجتماعی و سیاسی خود را بر این بنیان سامان دهند، علاوه بر این که در دنیا از عزت و سر بلندی و از زندگی انسانی برخوردار می‌شوند، در عالم آخرت نیز از نتایج اعمال خوب نیز برخوردار خواهند شد.

حضرت علی (ع) مضمون مذکور را در خطبه ۱۷۶ مردم را به عمل به قرآن و پاسداری و حراست از احکام حیات بخش آن فرا می‌خواند: «فَأَسْأَلُوا اللَّهَ بِهٖ تَوَجُّهًا إِلَيْهٖ بِحُبِّهٖ وَ لَا تَسْأَلُوا بِهٖ خَلْقَهٗ، إِنَّهٗ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ بِمَنْلِهٖ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَقَائِلٌ مُصَدِّقٌ وَأَنْبَهٗ مَنْ شَفَّعَ لَهُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهٖ وَ مَنْ مَحَلَّ بِهٖ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَّقَ عَلَيْهِ» حضرت به مردم توصیه می‌کنند که با پیروی از قرآن، شناسی دردهای خود را از قرآن بخواهند و با عمل به آن به خدا روی آورند و برای سوال کردن و خواستن از انسان‌های دیگر، قرآن را واسطه قرار ندهند؛ زیرا انسان‌ها نیز واسطه‌ای مانند قرآن بین خود و خدا ندارند. سپس می‌فرماید: بدانید که قرآن شافی است که شفاعتش پذیرفته می‌شود و گوینده‌های است که گفتارش تصدیق می‌گردد. کسی که قرآن در قیامت او را شفاعت کند، شفاعت قرآن در حق او پذیرفته است و کسی که قرآن در روز قیامت او را تقبیح کند، به زبان او تمام می‌شود.

شناخت قرآن در گروه شناخت مخالفان قرآن

شناخت دشمنان و مخالفان قرآن در فرهنگ دینی از چنان اهمیت و حساسیتی برخوردار است که حضرت علی (ع) در این زمینه در خطبه ۱۴۷ می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشِدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ» بدانید شما هرگز راه هدایت را نمی‌شناسید و در آن راه قرار نمی‌گیرید، مگر آن که کسانی که

هدایت الهی را رها کرده‌اند بشناسید و هرگز به پیمان الهی که همان قرآن کریم است پایبند نمی‌شوید، مگر آنکه پیمان شکنان را بشناسید و هرگز از متمسکان به حبل المتین الهی و پیروان واقعی قرآن محسوب نمی‌شوید، مگر آن که کسانی را که قرآن را کنار گذاشته و به این کتاب الهی پشت کرده‌اند، بشناسید.

همایش ملی

خصوصیات و اوصاف قرآن

بعد از شناخت علت اثر پذیری کلام مولا از کلام وحی باید ببینیم قرآن چه خصوصیت یا خصوصیتی دارد که ما نهج البلاغه را متأثر از آن می‌دانیم: شناخت قرآن کریم به عنوان معتبرترین کلام ربّانی و اصیل‌ترین کتاب آسمانی و عمده‌ترین منشأ معارف الهی و عالی‌ترین مکتوب تربیتی و پر بارترین برنامه انسان سازی بر هر فرد مسلمان واجب است و بر جویندگان دانش واجب‌تر، که پیامبر (ص) درباره قرآن فرمود: «هوا لدلیل یدل علی خیر سبیل» (کلینی، ص ۴۰۷) آن (قرآن) راهنماست، که بر بهترین راهها دلالت می‌کند. و علی (ع) فرمود: «وتعلّموا القرآن أحسن الحدیث و تفقهوا فیہ فانّه ربيع القلوب» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹) و قرآن را بیاموزید، که یقیناً بهترین سخن است، و در آن بیندیشید، که مسلماً بهار دلهاست.

بدون تردید هر قدر شناخت به قرآن عمیق‌تر و آگاهی از آن دقیق‌تر باشد. به همان نسب برخورداری از برکات آن افزون‌تر و به کسب سعادت نزدیک‌تر خواهد بود و این شناخت تنها از طریق معصومین اهل بیت (ع) است، زیرا شناختی که به رهنمود خاندان وحی نبوت نباشد اگر گمراهی را به دنبال نیاورد که می‌آورد به یقین ناقص و سطحی خواهد بود.

در بین اهل بیت (ع) اولین عارف کلام خداوند سبحان بعد از رسول خدا (ص)، علی (ع) است چنان که از خود حضرت در حدیثی می‌خوانیم که فرمود: من هر روز برای ورود بر رسول خدا (ص) نوبتی داشتم و هر شب نوبتی، که در این دو نوبت با حضرت خلوت می‌کردم و ایشان از هر موضوعی که می‌داشت، صحبت می‌نمود. همه اصحاب رسول خدا (ص) می‌دانند که با احدی از مردم جز من چنین کاری نمی‌کرد. و بر رسول خدا (ص) هیچ آیه قرآنی نازل نمی‌شد جز اینکه برایم می‌خواند و املا می‌کرد و به خط خود

می‌نوشتیم، و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه را به من آموخت و از خدا می‌خواست که به من فهم و نیروی حفظ عطا کند، و از آن وقتی که برایم دعا فرموده است، هیچ آیه‌ای از قرآن را که به من آموخت و علمی که به من املا کرد و می‌نوشتیم فراموش نکرده‌ام. . . (کلینی، ص ۱۰۹)

لذا در اینجا از زبان چنین شخصیتی اوصاف قرآن را بیان می‌کنیم:

۱- «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَانَّهُ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَانَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَانَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹) قرآن را فرا گیرید، که نیکوترین گفتار است. آن را نیک بفهمید، که دلها را بهترین بهار است و از روشنایی آن بهبودی طلبید، که شفای دلهاست. حضرت در جملات مذکور، به ذکر خصوصیات از قرآن می‌پردازد که کتابهای دیگر از آن برخوردار نیستند.

۲- «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَسُطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ. اَلَا اِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَاتِي وَ الْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءٌ دَائِكُمْ وَنَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ» (همان، خطبه ۱۵۷) از قرآن بخواهید تا سخن گوید و هرگز خود سخن نگوید؛ و لکن من شما را از آن خبر دهم. بدانید که قرآن شامل علم آینده و حدیث گذشته و درمان درد شما و راه سامان دادن امور شماست.

۳- «وَلَا تُخَلِّقْهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ لَوْجُ السَّمْعِ. مِنْ قَالَ بِهٖ صَدَقَ وَ عَمِلَ بِهٖ سَبَقَ» همان، خطبه ۱۵۵) قرآن کتابی است که با خواندن و شنیدن بسیار کهنه نگردد. هر کس بواسطه آن سخن گوید راست گفته و هر کس بدان رفتار نماید، از دیگران پیشی گرفته است.

خصوصیات و اوصاف نهج البلاغه

نهج البلاغه کتاب معرفت و معرفت حضرت علی (ع) است، آن که بخواهد به بلندای شخصیت عظیم او برسد، باید روح و جان خود را در این اقیانوس آرام، پاک زلال و عمیق، مطهر کند و جرعه‌ای از معارف بیکران آن بنوشد، تا به طهارت روح و نشاط جان دست یابد و سرمست از باده عشق الهی گردد. آشنا شدن با این آفتاب درخشان و انس گرفتن با این کوثر جاودانه، جذابیت سحر آمیز بیان حضرت امیر مومنان (ع) را نمایان تر میکند زیرا درباره موضوعات متنوع و گوناگون و متناسب هر زمان سخن گفته و فصاحت و بلاغت را به قله قاف اندیشه و کمال رسانیده است. در میان هزاران نام که مترجمان و

مولفان مسلمان که بر کتاب‌های خود نهادند، هیچ نامی چون «نهج البلاغه» با محتوای کتاب منطبق نیست و می‌توان گفت این نام از عالم غیب بردل شریف رضی قدسی سرو افاضه گردیده است که «أَلَسْمَاءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ». راه سخن را سا گفتن را در این مجموعه باید یافت

پس از بیان اوصاف قرآن، از نهج البلاغه را از زبان تنی چند از بزرگان این فن بیان می‌کنیم:

عبد الحمید ابن ابی الحدید معتزلی، از علماء معروف اهل تسنن و از شارحان مشهور نهج البلاغه (۶۵۶ هـ ق) پس از آنکه حضرت علی (ع) را مبتکر و پایه گذار علوم تحقیق و فقهی، همچون فقه، تفسیر، صرف و نحو. . . معرفی می‌کند، می‌نویسد: «أما در فصاحت، آن حضرت، امام همه فصیحان و سرور همه بلیغان است و درباره سخن او گفته شده: فروتر از سخن خالق و فراتر از سخن همه مخلوق است و مردم آیین سخنوری و نگارش را از او فرا گرفته و آموخته‌اند» (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ ق، ص ۱۷)

آیه الله جوادی آملی نیز در این باره می‌فرماید: «نهج البلاغه، کلام انسان کاملی است که او، هم در حکمت نظری حکیم کامل است و هم در حکمت عملی حکیم نامور، مصداق انسان کاملی است که خدا به او حکمت عطا کرده است. (جوادی آملی، ص ۳۸) که «یوتی الحکمه من تشاء ومن یوتی الحکمه فقد أوتی خیراً کثیراً». (بقره ۲۶۹) نتیجه‌ای که از کلام بزرگان گرفت این است که نهج البلاغه، کلامی اعجاب انگیز است که از طریق انسانی ما فوق بشر بیان شده و اعجاب و اظهار عجز و ناتوانی دوست و دشمن را در برابر خود برانگیخته است، و این بخاطر این است که وی دست پرورده مکتب وحی بود و گفتارش وحی بود.

عبد الحمید کاتب از سخنوران بزرگ عرب در عهد مروان، چشمه جوشان مکتب ادبی خود و سبب نویسندگی‌اش را حفظ خطبه‌هایی چند از نهج البلاغه می‌داند. «هفتاد خطبه از خطبه‌های علی (ع) را حفظ کردم و پس از آن ذهنم جوشید که جوشید. « (مطهری، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۱)

شیخ محمد حسن نانل المصفی که از ادیبان مهم جهان عربی است، نهج البلاغه را همچون قرآن کریم، نوعی معجزه می‌داند و می‌گوید: «نهج البلاغه برهانی روشن بر این است که

علی (ع) بهترین نمونه زنده روشنایی و دانش، هدایت و فصاحت و معجزه قرآنی است. در این کتاب دلائل و نشانه‌هایی از دانش و سیع و سیاست صحیح و موعظه‌هایی روشن گر امام علی (ع) به چشم می‌خورد که شبیه آن در آثار هیچ یک از دانشمندان بزرگ و فیلسوفان دیده نمی‌شود، مولا در ژرفای دانش و دین و سیاست فرو رفته و در همه این موارد سر بلند بیرون آمده است.

استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«عهد جهت در اعجاز لفظی قرآن کریم، این است که موضوعات و مطالبش یکسره با موضوعات سخنان عصر خود مغایر است و سر فصل ادبیات جدیدی است، با جهان و دنیای دیگری سر و کار دارد، زیبایی و فصاحتش در حد اعجاز است، در این جهت نیز (نهج البلاغه) مانند سایر جهات، متأثر از قرآن و در حقیقت، فرزند قرآن است. (مطهری، ص ۶۵)

سید رضی که خود همت به جمع آوری این اثر سترگ گماشته و با نهج البلاغه جاودانه شده و همچون قطره‌ای که خود دریا شده می‌نویسید: «جویندگان و سود برندگان از آن زیاد است و این به دلیل گران سنگی و قدر و منزلت این کتاب در فراهم داشتن شگفتی‌های سخنوری و زبان آوری است.» (استادی، ۱۳۶۲، ش ۱۳۵)

علی در معرفی خود و اهل بیت (ع)

در معرفی علی بن ابیطالب (ع) باید از کلمات خود آن حضرت (ع) استفاده کرد. از خود و سایر اهل بیت عصمت و طهارت را سرچشمه جوشان معرفی می‌کند. آن جا که می‌فرماید: «نحن شجره النبوه، ومحطّ الرّسالة و مختلف الملائکه و معدن العلم، و ینایع الحکم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، بند ۳۸) ما درخت نبوتیم (درخت نبوت در خاندان ما ریشه دارد) و فیض رسالت در این خانواده فرود می‌آید، فرشته‌های خدای متعال به خاندان ما رفت و آمد دارند، قرارگاه علم و چشمه سار حکمت‌ها ما هستیم.

به طور کلی اگر علمی هست، کانون آن علم، علی و اولاد علی (ع) هستند. همانطور که قرآن کریم در تشریح حکمت نظری و عملی، گویا امیر مومنان (ع) که شاگرد بارز این مکتب و خود، قرآن ناطق است نیز بیانگر این دو حکمت است.

خدا برای قرآن وصفی بیان فرموده است؛ نمونه آن وصف را علی (ع) برای خود تشریح می‌کند. خدا درباره عظمت قرآن چنین فرموده است: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» (حشر/۲۲) آن قدر این قرآن و زین است که اگر بر کوه نازل می‌شد، کوه متلاشی می‌گردید. همان طور که هضم مسائل سنگین برای هر کسی میسر نیست و چه بسا او را به سر درد مبتلا کند، تحمل معارف بلند قرآن میسر نیست و کوه را هم به صدا ع و در نتیجه به تفرق و قرآن به مقتضای حکمت الهی، در بیان معارف خود گاه به اجمال و گاه به تفضیل، گاه مقید و گاه مطلق سخن رانده است. شناخت موارد اجمال و ابهام بناء به گفته‌ی خود قرآن در گنجینه علم و معرفت «راسخان در علم» و «اهل ذکر» نهفته است که مصداق اکمل و والای آنان بعد از پیامبر (ص)، وصی بر حقش، حضرت علی (ع) و فرزندان طاهرش (ع) هستند.

ویژگی‌های قرآن در نهج البلاغه

۱- قرآن حبل متین است

«علیکم بکتاب الله، فانه الحبل المتین» بر شما باد به کتاب خدا که ریسمان استوا است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

متین در لغت از ریشه «متن» به هر چیز محکمی گفته می‌شود و بدین ترتیب «حبل المتین» یعنی، طناب و ریسمان محکم. بشر در همه دوران‌ها بر انجام کارها و بویژه کارهای سخت، از طناب به عنوان ابزاری رایج و وسیله‌ای نیکو، استفاده کرده است ولی چون به محل استفاده و کاربرد طناب دقتی شود، دریافت می‌شود که در عموم موارد، طناب نقش کار گشایی نجات بخشی را بر عهده دارد.

شاید کلمه «حبل الله» در آیه شریفه: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (آل عمران/۱۰۳) نیز ناظر به همین معنا باشد و لذا دیده می‌شود که مفسرین به استناد روایات رسیده چیزهایی از قبیل قرآن، اسلام، اهل بیت (ع) را از مصادیق واقعی «حبل الله» می‌دانند. و قرآن رشته محکم (ارتباط با خدا) است، چرا که انسان‌ها اگر بر اثر انحرافات

و گناهان در دوره آلودگی و چاه تاریک غرایز یا دریای ژرف جهل و نادانی بیفتد به وسیله قرآن نجات می‌یابند و از قعر گرفتاری‌ها بیرون می‌آیند.

۲- کسی که به قرآن عمل کند بر دیگران پیشی گرفته است

«ومن عمل به سبق» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) کسی که به آن عمل کرد پیش افتاده. قرآن باید سر لوحه برنامه‌های مسلمانان قرار گیرد، از آن بهترین بهره‌های معنوی را ببرند که در پرتو آن، دارای دنیایی پاک و بی‌درد و رنج نیز خواهند داشت. و علاوه بر آن در آخرت نیز رو سفید و مورد رحمت خداوند قرار خواهند گرفت.

عمل به قرآن در ابعاد مختلف عوامل کامل پیشروی به سوی تکامل در جهات گوناگون است، هم در جهت ظاهر و مادی و هم در جهت باطن و معنوی، که اگر به راستی مسلمانان به آن عمل می‌کردند، از همه مردم دنیا از هر جهت سبقت می‌گرفتند، همچنان که آن حضرت در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند:

«الله فی القرآن لا یسبقکم بلعمل به غیرکم» (همان، خطبه ۱۰۹) خدا را خدا در مورد توجه به قرآن، نکنند که دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند.

هدف آن حضرت توجه دادن مسلمانان به کتاب آسمانی قرآن، محکم‌ترین سند مسلمین است، که با توجه به آن و پیمودن راه‌های روشن آن، و اجرای احکام باعث پیروزی همه جانبه مسلمانان شده و موجب نجات انسان‌ها خواهد گردید.

۳- قرآن بهار دلها و شفای سینه‌های بیمار است

«و تعلموا القرآن فانه احسن الحدیث، و تفقهوا فیه فانه ربیع القلوب، و استشفوا بنوره فانه شفاء الصدور، و احسنوا تلاوته فانه احسن القصص» قرآن را فرا گیرید، که بهترین گفتار است و در آن ژرف بنگرید که بهار دلهاست و از نور آن شفا بجوید که شفای سینه‌های بیمار است، آن را با نیکو ترین وجه تلاوت کنید که سود بخش‌ترین سرگذشت‌ها است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

حضرت علی (ع) که به حق طبیبی آگاه و متخصص و دلسوز برای بیمارهای روحی است به انسان‌های بیمار دل توصیه می‌کند تا پیام شفا بخش قرآن کریم را به خوبی بشنوند و

۹۹ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

رهنمودهایش را به نیکی پذیرا شوند تا برکت عمل به قرآن روح و روان آنان از کفر و شرک و نفاق، کبر و ریا منزه و پاک گردد و بهبودی یابد.

تقوا در قرآن و نهج البلاغه

تقوا از «وقایه» و وقایه به معنی حفظ شیء است، از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ ش، ص ۴۷۹)

شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته اند: این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگه داری است. کسی مدعی نشده است که معنای تقوا، ترس یا پرهیز و اجتناب است، بلکه چون دیده شده لازمه صیانت خود از چیزی ترک و پرهیز است در بعضی موارد، به معنی خوف و ترس استعمال شده است. (مطهری، بی تا، ص ۳) به چند آیه می توان استناد کرد مانند: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» (آل عمران/ ۱۰۲) از خدا بترسید، چنانچه شایسته خدا ترس بودن است.

«فَوَشَقَّ اللَّهُ لَهِنَّ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَفَّهِنَّ نَصْرَهُ وَسُرُوءًا» (دهر / ۱) خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آن ها روی خندان و دل شادمان عطا نمود.

در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه ای نفسانی فراهم می سازد تا او را از آسیب های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۲)

تقوا معیار ارزش ها

هر مکتبی نظام ارزشی دارد که همه چیز را بر معیار آن می سنجد، در زمان های گذشته نیز معیارهای گوناگون وجود داشته که طاغوت های معاصر، انبیای گذشته را به آن معیارها سنجیده و مورد ارزیابی قرار داده اند. مثلاً فرعون برای ارزیابی شخصیت موسی می گوید: «فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ» (زخرف / ۵۳) چرا طوق زرین بر دست ندارد و یا کفار زمان نوح او را به باد انتقاد گرفته و می گویند: «وَمَا نَرَكُ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدَىٰ الرَّأْيِ» (هود/ ۲۷) کسانی را که از او پیروی کرده اند جز افرادی فرو مایه و فقیر مشاهده نمی کنیم.

۱۰۰ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناصر)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

مکتب الهی اسلام همه معیارهای نادرست را در هم ریخته و تقوا را یگانه معیار تام و تمام برای ارزیابی انسان‌ها قرار داده است؛ چنانکه می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَى» (حجرات/ ۱۳) گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

آیاتی از قرآن، تقوا را وسیله فوز و نایل شدن به خداوند سبحان و مایه‌ی قبولی اعمال و محور عبد الحمید ابن ابی الحدید معتزلی، از علماء معروف اهل تسنن واز شارحان مشهور نهج البلاغه (۶۵۶ه ق) پس از آنکه حضرت علی (ع) را مبتکر و پایه گذار علوم تحقیق و فقهی، همچون فقه، تفسیر، صرف و نحو. . . معرفی می‌کند، می‌نویسد: «أما در فصاحت، آن حضرت، امام همه فصیحان و سرور همه بلیغان است و درباره سخن او گفته شده: فروتر از سخن خالق و فراتر از سخن همه مخلوق است و مردم آیین سخنوری و نگارش را از او فرا گرفته و آموخته اند. »

آیه الله جوادی آملی نیز در این باره می‌فرماید: «نهج البلاغه، کلام انسان کاملی است که او، هم در حکمت نظری حکیم کامل است و هم در حکمت عملی حکیم نامور، مصداق انسان کاملی است که خدا به او حکمت عطا کرده است. که «یوتی الحکمه من تشاء ومن یوتی الحکمه فقد أوتی خیراً کثیراً». نتیجه‌ای که از کلام بزرگان گرفت این است که نهج البلاغه، کلامی اعجاب انگیز است که از طریق انسانی ما فوق بشر بیان شده و اعجاب و اظهار عجز و ناتوانی دوست و دشمن را در برابر خود برانگیخته است، و این بخاطر این است که وی دست پرورده مکتب وحی بود و گفتارش وحی بود.

عبد الحمید کاتب از سخنوران بزرگ عرب در عهد مروان، چشمه جوشان مکتب ادبی خود و سبب نویسندگی اش را حفظ خطبه‌هایی چند از نهج البلاغه می‌داند. «هفتاد خطبه از خطبه‌های علی (ع) را حفظ کردم و پس از آن ذهنم جوشید که جوشید.»

شیخ محمد حسن نائل المصطفی که از ادیبان مهم جهان عربی است، نهج البلاغه را همچون قرآن کریم، نوعی معجزه می‌داند و می‌گوید: «نهج البلاغه برهانی روشن بر این است که علی (ع) بهترین نمونه زنده روشنایی و دانش، هدایت و فصاحت و معجزه قرآنی است. در این کتاب دلائل و نشانه‌هایی از دانش و سبب و سیاست صحیح و مو عظه‌هایی روشن گر امام علی (ع) به چشم می‌خورد که شبیه آن در آثار هیچ یک از دانشمندان بزرگ و

۱۰۱ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناصر)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

فیلسوفان دیده نمی‌شود، مولا در ژرفای دانش و دین و سیاست فرو رفته و در همه این موارد سر بلند بیرون آمده است.

استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«عهد جهت در اعجاز لفظی قرآن کریم، این است که موضوعات و مطالبش یکسره با موضوعات سخنان عصر خود مغایر است و سر فصل ادبیات جدیدی است، با جهان و دنیای دیگری سر و کار دارد، زیبایی و فصاحتش در حد اعجاز است، در این جهت نیز (نهج البلاغه) مانند سایر جهات، متأثر از قرآن و در حقیقت، فرزند قرآن است.

سید رضی که خود همت به جمع آوری این اثر سترگ گماشته و با نهج البلاغه جاودانه شده و همچون قطره‌ای که خود دریا شده می‌نویسید: «جویندگان و سود برندگان از آن زیاد است و این به دلیل گران سنگی و قدر و منزلت این کتاب در فراهم داشتن شگفتی‌های سخنوری و زبان آوری است.»

«ومن عمل به سبقت» کسی که به آن عمل کرد پیش افتاده. قرآن باید سر لوحه برنامه‌های مسلمانان قرار گیرد، از آن بهترین بهره‌های معنوی را ببرند که در پرتو آن، دارای دنیایی پاک و بی درد و رنج نیز خواهند داشت. و علاوه بر آن در آخرت نیز رو سفید و مورد رحمت خداوند قرار خواهند گرفت.

عمل به قرآن در ابعاد مختلف عوامل کامل پیشروی به سوی تکامل در جهات گوناگون است، هم در جهت ظاهر و مادی و هم در جهت باطن و معنوی، که اگر به راستی مسلمانان به آن عمل می‌کردند، از همه مردم دنیا از هر جهت سبقت می‌گرفتند، همچنان که آن حضرت در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند:

«الله الله فی القرآن لا یسبقکم بلعمل به غیرکم» خدا را خدا در مورد توجه به قرآن، نکند که دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند.

هدف آن حضرت توجه دادن مسلمانان به کتاب آسمانی قرآن، محکم ترین سند مسلمین است، که با توجه به آن و پیمودن راه‌های روشن آن، و اجرای احکام باعث پیروزی همه جانبه مسلمانان شده و موجب نجات انسان‌ها خواهد گردید.

آثار تقوا در قرآن

۱۰۲ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

آثاری که برای تقوا در قرآن ذکر شده است، به سه گروه تقسیم می‌گردد:

الف: آثار دنیوی:

خداوند به کسی که تقوا داشته باشد، از راهی که به حساب نمی‌آورد، روزی می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ، يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/۲-۳) و هر کس خدا ترس شود، خدا راه بیروز شدن را بر او می‌گشاید، و از جایی که گمان نبرد، به او روزی عطا کند.

هدایت قرآن نصیب افراد با تقوا می‌گردد:

«ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲) این کتاب بی شک، راهنمای پرهیز کاران است.

کسانی که تقوا ورزند، خدا درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان باز می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَ آمَنُوا وَأَتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ» (اعراف/۹۶) و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شوند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.

ب: آثار اخروی :

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَعِيمٍ» (طور/۱۷) متقیان هم امروز در باغ‌های بهشت پر نعمت‌اند. «فَأَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ» (بقره/۱۹۷) بهترین توشه این راه تقواست. «أَنَّمَا تَقْبَلُ اللَّهُ مِنْشَ الْمُتَّقِينَ» (مائده/۲۷) خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت.

ج: آثار مستمر:

خوشبخت کسانی هستند که اطاعت خدا و رسول نمایند و از خدا ترسیده، تقوا پیشه کنند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳) بزرگوارترین شما نزد با تقواترین مردمند. «فَأَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۷۶) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. «وَأَعَدُّوا أَنْ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶) خدا همواره با متقین است.

آثار تقوا در نهج البلاغه

نهج البلاغه تقوا را به عنوان یک نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و آثار و نتایجی دارد و از آن جمله پرهیز از گناه را سهل و آسان می‌نماید، عنوان کرده است.

«إن تقوی الله حمت اولیاء محارمه و الزمت قلوبهم مخافته حتی اسهرت لیا لهم و اظهارت هوا جرهم»؛ تقوی الهی دوستان خدا را از گناهان باز داشته، و ترس از خدا بر دل‌هایشان نشانده، تا آن جا که شب‌های آنان را به بیداری کشانده و روزهای گرمشان را به روزه داری واداشته. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴)

در این جا امام علی (ع) تصریح می‌کند که تقوا چیزی است که پرهیز از محرمات الهی و هم چنین ترس از خدا، از لوازم و آثار آن است. پس در این تقوا نه عین پرهیز است و نه عین ترس از خدا بلکه نیروی ارشد و مقدس که این امور را به دنبال خود دارد.

«فان التقوی: فی الیوم الحرز و الجنه و فی غد الطریق الی الجنه»؛ زیرا که پرهیزگاری در امروز سپر و پوشش است، و در فردا راه را به سوی بهشت و آسایش. (همان، خطبه ۱۹۱)

تعهد متقابل

در نهج البلاغه با اینکه اصرار شده که تقوا نوعی ضامن و وثیقه است در برابر گناه و لغزش، به این که نکته توجه داده می‌شود که در عین حال انسان از حراست و نگهداری تقوا نباید آنی غفلت ورزد، تقوا نگهداری انسان است و انسان نگهداری تقوا، این نگهداری متقابل از نوع نگهداری انسان و جامعه است که انسان نگهداری جامعه از دزدیدن و پاره شدن است و جامعه نگهداری انسان از سرما و گرماست، قرآن کریم از تقوا به «جامه» تعبیر کرده است «لباس التقوی ذلک خیر».

علی (ع) درباره نگهداری متقابل انسان و تقوا می‌فرماید:

«ایقظوا بها نومکم و اقطعوا بها یومکم و اشعروها قلوبکم و ارحضوا بها ذ نومکم. . . الا حضونوها و تصونوا بها» (همان، خطبه ۲۳۳)

۱۰۴ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

خواب خویش را به وسیله تقوا تبدیل به بیداری کنید و وقت خود را با آن به پایان رسانید و احساس آن را در دل خود زنده نمایید و گناهان خود را با آن بشوید. همانا تقوا را صیانت کنید و خود را در صیانت تقوا قرار دهید.

همایش ملی بینامتنیت



نتیجه

شناخت قرآن کریم به عنوان معتبرترین کلام ربّانی و اصیا ترین کتاب آسمانی و عمده ترین منشأ معارف الهی و عالی ترین مکتوب تربیتی و پربرترین برنامه انسان سازی بر هرفرد مسلمان واجب است. بدون تردید هر قدر شناخت به قرآن عمیق تر و آگاهی از آن دقیق تر باشد. به همان نسبت برخورداری از برکات آن افزون تر و به کسب سعادت نزدیک تر خواهد بود. و این شناخت تنها از طریق معصومین (ع) است. عارف کلام خداون سبحان بعد از رسول خدا (ص)، علی (ع) است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه بیش از بیست خطبه را به معرفی قرآن و جایگاه آن اختصاص داده است و گاه بیش از نصف خطبه به تبیین جایگاه قرآن و نقش آن در زندگی مسلمانان و وظیفه آنان در مقابل این کتاب آسمانی اختصاص یافته است. از ویژگی‌های این کتاب آسمانی، آن است که خدای متعال بر امت اسلام منت نهاده و خود ضمانت آن را از هر گونه تهدید و تحریفی به عهده گرفته است. نهج البلاغه با دیگر آثار ماندگار جهان متفاوت است زیرا هم موضوعات متنوع و گوناگون دارد و هم مفاهیم آن فقط مربوط به عصر حضرت علی (ع) نیست بلکه نهج البلاغه کتاب دوران‌ها و زمان‌ها و پاسخگوی نیازهای بشری بوده و خواهد بود. حضرت علی (ع) راه حل همه مشکلات را در قرآن معرفی می‌کند و دواى درد را حل مشکلات سامان بخشیدن به امور را در قرآن داروی شفا بخشی است که همه دردها را درمان می‌کند.



۱۰۶ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۲، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، تهران، ۱۳۷۸ش
- ۳- النواوی، محمد امین، جولات اسلامیه، بیروت ۱۹۸۰ م
- ۴- استادی، رضا، بحثی کوتاه پیرامون مدرک نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۶۲ش
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات رضوی، تهران، ۱۳۶۹ش
- ۶- جواد آملی، عبد الله، تنسیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ش
- ۷- ابن ابی الحدید، عزالدین عبد الحمید، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ۱۳۷۵ش
- ۸- شهرستانی، هبه الدین، المعجزه الخالده، ۱۹۶۷م



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus



آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو